نثر ادبی: صفحه ای از زندگی: پنج هزار سال پیش بشر

قویم الدوله

تحقیقات تاریخی و کشفیات علمی ثابت کرده‏ است که انسان پیش از آنکه تشکیل اجتماع‏ منظمی بدهد قرنهای بسیار در حالت توحش‏ و انفراد میزیسته،روزکار پریشان و زندکانی‏ فلاکت‏آمیزی داشته است.مسکن اولهء بشر شکاف کوهها بوده.جنس دو پا چون بواسطهء انقلاب طبیعت و اختلاق هوا خود را محتاج به سرپناهی دید،عدم تنامین حیات او را به‏ فکر بدست آوردن جاهای سهل الدفاع افکند،غارها را به زحمت از تصرف حیوانات ضاره خارج کرد.تغذیهء اشرف‏ مخلوقات از ستنیهای صحرا،میوهای جنکل و بازماندهء طعمهء درندکان بوده و تهیهء قوت لا یموت روزانه بیشتر وقت او را مستغرق میکرده است.

استعداد ترقی

از بیشتر جهات انسان و حیوان یکسانند،یعنی‏ هم این و هم آن با چشم می‏بینند و با کوش می‏ شنوند؛کرسنکی،تشنکی،سرما،کرما،خستکی‏ و درد را حس میکند،لیکن انسان برابر حیوان‏ مزایائی است که بزرکترین آنها استعداد اوست برای ترقی، آری،جنس دوپا دارای اسلحه‏ایست که هیچ چیز در جلوی آن‏ نمیتواند مقاومت کند:هوش!

حس‏ اجتماع

رفته رفته اشرف مخلوقات را-پس از آنکه‏ قرنها بحالت انفراد زیست-مشکلات طبیعت و سختی زندکانی بفکر استمداد از ابناء جنس خود انداخت و حس اجتماع در او پیدا شد.قارهء وسیعهء آسیا از اقدام ازمنهء تاریخی جولانکاه دسته‏های صحرا کردی‏ بوده که از شیر و کره و کوشت کله‏های کاو و کوسفندشان تغذیه‏ میمنوده و پیوسته زندکانی سرکشته خود را از مرتعی به مرتع‏ دیکر تعقیب میکرده‏اند.بالاخره پاره‏ای از این اقوام رحاله‏ به دره‏های سبز و خرمی که در پناه سلاسل جمال واقع شده‏ و بستر رودهای بزرک است رسیده،بواسطهء سهولت وسائل‏ تغذیه در آن امکنه حاصلخیز رحل اقامت افکندند و بخیال‏ کشت و زرع افتادند.-شاید فلاحت ندر دشت حاصلخیز بین‏ دجله و فرات تولد یافته و از آنجا به اقطار دیکر رسیده باشد.

نخستین‏ کانونهای تمدن

و این نیز مسلم است که تمدن نخست در شرق‏ مایه کرفته،سپس-مانند اشعهء تابنام خور از مشرق به مغرب رفته است.موقع طبیعی‏ آسیا و شمال شرقی افریقا چهار کانون تمدن‏ اولیه را نشان میدهد:نواحی کیانک و هوانک‏هو(چین)، درة کنک و سند(هند).دشت فرات و دجله(آشور).وادی‏ نیل(مصر).

انتقال مدنیت‏ از مشرق بغرب

در اعصار اولیهء تاریخ ملل بزرک در آسیا و افریقا تشکیل یافته و انوار تمدن در اقطا شرقی تابش داشته،و در قرون قدیمه‏ مدنیت از مشرق به مغرب انتقال یافته است‏ باین ترتیب که اشعهء تابان تمدن ابتدا به یونان-که مجاور با شرق است-نفوذ کرده،سپس از یونان به روم رسیده،و در قرون وسطی متدرجا به سایر ممالک اروپا.

توسعهء تمدن

در قرون جدیده کشف راس امید و امریکا و راه‏ بحری هندوستان دایرهء سرعت عمل ملل مغرب را توسعه داد.در دورهء معاصر اروپائیان-که‏ استحکامی به اساس کار خود داده بودند-تمدن را بوسیله مسافرت و مهاجرت و استعمار در روی کرهء زمین‏ منتشر ساختند.

زندگانی مصری‏ در پنجهزار سال پیش

دانشمند معظم مسیو(ماس پرو)فرانسوی‏ که عمری در تفحص آثار عشقه وادی نیل‏ کذارنیده در وصف یکی از مجتمعات پنج‏ هزار سال قبل در شهر(تبس)از بلاد قدیمه‏ مصر چنین مینویسد:

چندین کلبهء محقر از کل و چوب.پوشش آنها باندازهء پست‏ است که اکر انسان سرش را بدون احتیاط بلند کند به سقف‏ میخورد این کلبه‏ها در ساحل رود نیل زیر نخلهای خرما و درختهای اقاقیا ساخته شده،پاره‏ای از آنها دارای دو طبقه است:تحتانی و فوقانی.قسمت تحتانی آغال مواشی‏ و مرتبهء فوقانی-ه بوسیلهء یک نردبان کوچکی بر آن صعود میکنند-جایکاه خانواده است.

در این مساکن محقر اولیه از اثاثیه و زینت اثری نیست‏ تخت‏خواب مسند عبارت است از یک قطعه حصیر.اثاث‏ البیت منحصر است به یک صندوق چوبی برای البسته و تخته‏ سنک صافی جهت نرم کردن حبوبات و تاپوئی از کل که در آن جو و کندم میریزند و کندوای برای روغن و چند کوزهء سفالی. در زاویهء اطاق اجاقی دیده میشود که محاذی ان سوراخی در سقف کاردوکس را میکند.

اعضاء خانواده با یک سادکی و صیمیمتی با یکدیکر متحد و مهربانند.و برخلاف اضطرابات و مناقشات این عصر و زمان روز- کاری بخوشی و خرمی میکذرانند.

مردان در هنکام طلوع فجر ناهار خود را-که عبارت است‏ از دو کردهء نان پرسبوس و یک پیاز و قطعه‏ای ماهی خشک- برداشته بدون هیچ جامه و پوششی پی کار میروند.